

تبیین رابطه بین استفاده از فضای مجازی و روابط انسانی دانشجویان

مریم ظفری^۱، کرامت الله راسخ^۲، علی رضا بیابان نورد سروسنانی^۳

تاریخ دریافت: ۰۳/۹/۱۷، تاریخ تایید: ۰۳/۹/۲۸

DOI: <https://doi.org/10.22034/scm.2024.492726.1827>

چکیده:

انسان ها در تعامل و تقابل با دیگران، نیازهای خود را برطرف ساخته و گذران امور می‌کند. اثرات این کنش‌های متقابل و نقش آن‌ها تا حدی است که حذف آن، زندگی را غیرممکن می‌سازد. اما در این میان دانشمندان علوم اجتماعی با نگرشی کنجکاوانه در جوامع، به شناسایی این کنش‌ها پرداخته و به مجموعه عواملی پی برده‌اند که این نوع کنش‌ها و اهداف مدنظر آن را تهدید نموده و تأثیرات منفی بر روابط انسانی می‌گذارد که یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در این زمینه شبکه‌های اجتماعی می‌باشند.

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین استفاده از فضای مجازی و روابط انسانی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز تنظیم شده است. در این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده و جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز است که از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و خوشه‌ای با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بین ۳۷۸ نفر از دانشجویان توزیع شد. جهت تجزیه و تحلیل آماری از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تک نمونه‌ای مستقل، آنالیز واریانس یک‌طرفه و روش تحلیل رگرسیون استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مقدار مربع R برابر 0.612^a می‌باشد و در واقع 61.2% درصد واریانس روابط انسانی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز تبیین شده است. که در این میان متغیر میزان استفاده از فضای مجازی با بتای 0.310 و متغیر میزان تحصیلات فرد با بتای 0.384 و متغیر جنسیت با بتای 0.029 و متغیر سن با بتای 0.013 توانست بر میزان روابط انسانی مؤثر واقع شود و بیشترین تأثیر را میزان تحصیلات فرد و کمترین تأثیر را متغیر سن بر میزان روابط انسانی داشته است.

واژگان کلیدی: استفاده از فضای مجازی، دانشجویان، روابط انسانی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه علوم ارتباطات، پردیس علوم و تحقیقات فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران دانشجوی دکتری گروه علوم ارتباطات، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

marvanzafari14@gmail.com

^۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول) krasekh@gmail.com

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. Bhya1979@gmil.com

طرح مساله:

جهان طی چند سالهای اخیر قدم به دنیای جدیدی تحت عنوان «وب ۱» و در ادامه «وب ۲» گذاشته که ظرف مدت زمان اندکی، «وب ۲» به سبب امکان ارتباط تعاملی دوسویه مورد استقبال کاربران فضای سایبری قرار گرفته است و از این جهت به محبوبترین نوع وبسایتها بدل شده و کاربران، بخش قابل توجهی از وقت خود را به این شبکهها اختصاص دادهاند. شواهد و مطالعات صورت گرفته حاکی از آن است که میزان استفاده از اینترنت و فضای مجازی چنان رو به گسترش است که نسل کنونی را نسل شبکه نام نهادهاند. از زمانی که «وب» به جامعه انسانی راه یافته کسی تصور این مقدار از تغییر و تحول را نداشت تا حدی که به رغم آسیبهای ناشی از آن تصور دنیای بدون وب دشوار است.

چراکه کاربران با وجود امکاناتی مانند واتس آپ، تانگو، بیتالک، فیس بوک، توئیتر، لینکداین، مای اسپیس، اینستاگرام، تلگرام، ایمو و دیگر شبکههای مجازی، می توانند قسمت عمدهای از ساعات زندگی خود را در این فضاها بگذرانند و از کاربردهای مختلف آن بهره مند شوند و از این طریق با دیگران ارتباط برقرار کرده و اوقات فراغت خود را نیز از این طریق سپری نمایند. اما به نظر می رسد این وسیله ارتباطی، علیرغم کارکردهای مؤثر و مفید خود، مشکلاتی را نیز به وجود آورده باشد.

فلسفه وجودی فضای مجازی و شبکههای اجتماعی، تشکیل و پیوند گروههای اجتماعی بر محور اشتراکات اعتقادی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است، اما نکته قابل تأمل این است که برخلاف گذشته که کاربران در فضای تعاملی همچون چت، کمتر شخصیت و هویت خود را به درستی اعلام می کردند و به دلیل عدم اعتماد لازم برای بازگو کردن حقیقت، از نام ها و شخصیت های مستعار استفاده می کردند، برعکس در این فضا، با شکل گیری وبسایت های شبکه اجتماعی مانند مای اسپیس، اینستاگرام، تلگرام و غیره کاربران تا حدی صداقت لازم را جهت پیدا کردن دوستان قدیمی، لذت استفاده از علم به همراه اعتماد واقعی را به دست آوردند. در این تحقیق با اذعان به این واقعیت که موضوع فضای مجازی و

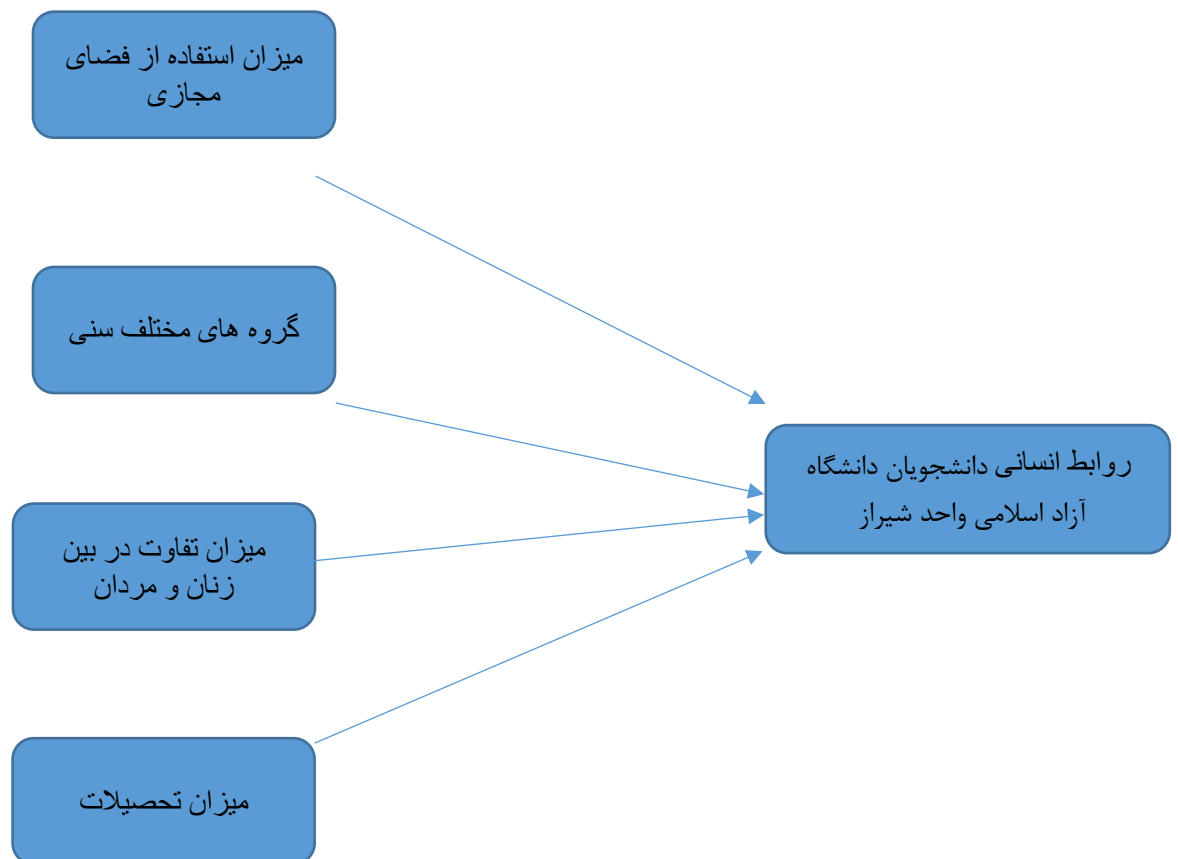
شبکه‌های اجتماعی و آثار و پیامدهای آن بسیار گسترده است، سعی شده به بررسی نوع و میزان استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و روابط انسانی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز پرداخته شود و مقولاتی همچون عضویت در گروه‌های مجازی، افزایش حمایت عاطفی و دوستی‌ها و افزایش تعاملات مجازی و واقعی ایشان با اطرافیان (خانواده، اقوام، دوستان و اساتید دانشگاه) و همچنین نحوه ارتباط آنان با افراد خانواده و دیگران مورد واکاوی و تحقیق قرار گرفته شده است.

کاستلز نیز در نظریه شبکه خود بر روابط اجتماعی بسیار تأکید دارد. به باور او ارتباط، بلوک‌های اصلی شبکه است. او معتقد است افراد حمایت‌های متنوعی را از اعضای شبکه خود، دریافت و پیوندهای گوناگون حمایت‌های اجتماعی متنوعی را برای اعضای شبکه فراهم می‌کند. کاستلز معتقد است در هزاره سوم میلادی و با گسترش وسایل ارتباط جمعی، همه جوامع در معرض تغییرات ساختاری قرار گرفته‌اند. این فناوری‌ها اگرچه نقش تعیین‌کننده‌ای در فرایند جهانی شدن دارند، نقش واسطه درکنش متقابل بین ساختارهای اجتماعی و کنشگران را ایفا می‌کنند؛ به همین دلیل در مرکز کنش انسانی قرار می‌گیرند (کاستلز، ۱۳۸۷: ۳۷۵).

همچنین مفهوم‌سازی بوردیو از عادت و میدان در تحلیل فرهنگی و ساختاری تأثیرات ارتباطات اینترنتی به‌کاربرده می‌شود. ارتباطات اینترنتی، زمینه شکل‌گیری عادات جدید را فراهم می‌کند؛ زیرا برای بوردیو، عادات، شیوه‌های عمل است که فاعلان اجتماعی در جریان اجتماعی شدن کسب می‌کنند و با تجربه‌های عملی آموخته می‌شوند. او معتقد است دنیای عملی که در ارتباط با عاداتی که به‌مثابه نظامی از ساختارهای شناختی و انگیزه‌بخش عمل می‌کنند شکل گرفته است، روش‌های رسیدن به هدف، مسیرهای درخور انتخاب و موضوعاتی را از قبل مشخص کرده که واجد یک خصلت غایت‌شناسی دائمی است (Bourdieu, 1990: ۵۳).

براین‌اساس گفتنی است میدان‌ها در حال تغییرند و رابطه بین عادت و میدان در معرض گسست است؛ زیرا انتخاب وجود دارد. بدین ترتیب استنباط می‌شود کنشگران نیز در انتخاب وجود دارند و با توجه به شرایط، نوع بهره‌مندی از اوقات فراغت خود را گزینش می‌کنند و فراغت مجازی را جایگزین شرایط واقعی فراغت می‌کنند؛ همان‌طور که

فرانسیس کایرنکراس می‌گوید «مهم‌ترین جزء دربارهٔ یک فناوری نوپدید، چگونگی کارکرد آن نیست، چگونگی استفاده مردم از آن و تغییراتی است که در زندگی بشر ایجاد می‌کند. امروزه کرهٔ جدیدی به جهان اضافه شده است که به کرهٔ زمین مجازی تعبیر می‌شود و بدین ترتیب با مفاهیم جدیدی مانند زمان مجازی، شغل مجازی و فراغت مجازی مواجه می‌شویم» (ذکایی، ۱۳۸۳: ۲). مدل نظری این تحقیق به شرح زیر آورده شده است؛ شبکه مجازی متغیر مستقل و روابط انسانی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز متغیر وابسته این تحقیق می‌باشد که از طریق مقوله های میزان استفاده از فضای مجازی، گروه های مختلف سنی، میزان تفاوت بین زنان و مردان دانشجو و میزان تحصیلات میزان رابطه و تاثیر آن بر روابط انسانی دانشجویان سنجیده می شود .



روش شناسی:

روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی است که یکی از شایع‌ترین روش‌ها برای سنجش متغیرها در علوم اجتماعی می‌باشد. این پژوهش با رویکردی کمی انجام شده است. در این تحقیق به دلیل سهولت اجرا و به منظور گردآوری داده‌ها از تکنیک پرسش‌نامه محقق ساخته با استفاده از طیف لیکرت استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ تشکیل می‌دهند. طبق آماري که از معاونت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز اخذ شده، تعداد دانشجویان ۱۹۶۱۹ نفر در کلیه مقاطع و رشته‌ها می‌باشند. نمونه آماری در این تحقیق شامل ۳۷۸ نفر است که از طریق فرمول کوکران، به دست آمده است.

روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و خوشه‌ای است که با توجه به در اختیار داشتن مشخصات مربوط به تمام اعضای جامعه برحسب دانشکده و رشته، نمونه‌گیری تصادفی ساده انجام شده است و بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای، پرسشنامه‌ها بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز توزیع شد و میزان آلفای ترکیبی هر دو بعد ۰/۸۷ محاسبه گردید. همچنین در این پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون، تک نمونه‌ای مستقل، آنالیز واریانس یک‌طرفه و رگرسیون بهره گرفته شده است.

یافته‌ها:

فرضیه اول تحقیق: بین میزان استفاده از فضای مجازی و میزان روابط انسانی رابطه وجود دارد.

الف) فرضیه صفر (H_0): بیانگر عدم ارتباط بین میزان استفاده از فضای مجازی و میزان روابط انسانی است.

ب) فرض خلاف یا بدیل (H_1) یا (H_A): بیان‌کننده اثرگذاری میزان استفاده از فضای مجازی بر میزان روابط انسانی است.

جدول (۱) جدول ضریب همبستگی پیرسون بین میزان استفاده از فضای مجازی و میزان روابط انسانی

متغیر	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
-------	----------------	---------------

ضریب همبستگی	-۰/۷۱۴	فضای مجازی و روابط انسانی
سطح معناداری	۰/۰۰۰	
تعداد	۳۷۸	

با توجه به آزمون ضریب همبستگی سطح معنی‌داری بین میزان استفاده از فضای مجازی و میزان روابط انسانی دانشجویان برابر با $\text{sig}=0.000$ و با ضریب همبستگی $r=-0.714^{***}$ بیان می‌شود که بین میزان استفاده از فضای مجازی و میزان روابط انسانی دانشجویان رابطه معنی‌دار منفی و معکوس با شدت قوی برقرار است، یعنی با افزایش میزان ساعات استفاده از فضای مجازی، میزان روابط انسانی دانشجویان کاهش می‌یابد در نتیجه فرضیه (H_1) یا (H_A) مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه دوم تحقیق: ارتباط بین میزان استفاده از فضای مجازی و میزان روابط انسانی در بین گروه‌های مختلف سنی متفاوت است.

جدول (۲) جدول آنالیز واریانس یک‌طرفه بین میزان استفاده از فضای مجازی و میزان روابط انسانی در بین گروه‌های مختلف سنی

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری
گروه‌های سنی متفاوت	میان گروهی	11.427	4	2.857	5.420	.000
	درون گروهی	196.586	373	.527		
	کل	208.013	377			

بر اساس نتایج حاصله از آزمون تحلیل واریانس بین میزان استفاده از فضای مجازی و میزان روابط انسانی در بین گروه‌های مختلف سنی، تفاوت معناداری وجود دارد بنابراین فرضیه فوق در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه سوم تحقیق: ارتباط بین میزان استفاده از فضای مجازی و میزان روابط انسانی در بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت دارد.

جدول (۳) آزمون بررسی تفاوت میانگین بین میزان استفاده از فضای مجازی و میزان روابط انسانی در بین زنان و

مردان

متغیر	جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
جنسیت	دانشجو یان دختر	191	1.49471	۷.۵	58.047	377	.000
	دانشجو یان پسر	187	2.41799	۸.۱	32.559	377	

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود بین میزان استفاده از فضای مجازی و میزان روابط انسانی در بین

دانشجویان دختر و پسر تفاوت دارد بنابراین فرضیه فوق‌الذکر مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه چهارم تحقیق: ارتباط بین میزان استفاده از فضای مجازی و میزان روابط انسانی بستگی به میزان تحصیلات فرد در مقاطع تحصیلی مختلف دارد.

جدول (۴) جدول انالیز واریانس یک طرفه بین میزان استفاده از فضای مجازی و میزان روابط انسانی بستگی با توجه به

میزان مقاطع تحصیلات

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری
میزان تحصیلات در مقاطع تحصیلی مختلف	میان گروهی	21.284	2	10.642	6.412	.002
	درون گروهی	622.359	375	1.660		
	کل	643.643	377			

بر اساس نتایج حاصله از آزمون تحلیل واریانس میزان استفاده از فضای مجازی و میزان روابط انسانی بستگی به میزان مقاطع تحصیلات، تفاوت معناداری وجود دارد بنابراین فرضیه فوق در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار می گیرد.

جدول (۵) نتایج آزمون تحلیل رگرسیون میزان استفاده از فضای مجازی و میزان روابط انسانی

روش ورودی متغیرها	Enter =Method
ضریب همبستگی چندگانه	R=۰/۳۷۵

R2=۰/۶۱۲ ^a	ضریب تعیین
R2 adj=۰/۳۵۵	ضریب تعیین تعدیل یافته
S.E=۰/۸۸۷۵۳	خطای معیار
ANOVA ^a =۱۴۵/۹۸۴	تحلیل واریانس
Sig=۰/۰۰۰ ^b	سطح معناداری

همان گونه که در جدول آزمون تحلیل رگرسیون مشاهده می شود متغیرهای مؤثر توانسته اند میزان روابط انسانی دانشجویان با ضریب تعیین ^a ۰/۶۱۲ درصد تغییرات موجود را پیش بینی کنند. به عبارتی متغیرهای مستقل مؤثر توانسته اند به اندازه درصد ^a ۰/۶۱۲ از تغییرات مربوط به میزان روابط انسانی را تبیین کنند و مابقی تأثیرات ناشی از متغیرهایی است که در این تحقیق لحاظ نشده است.

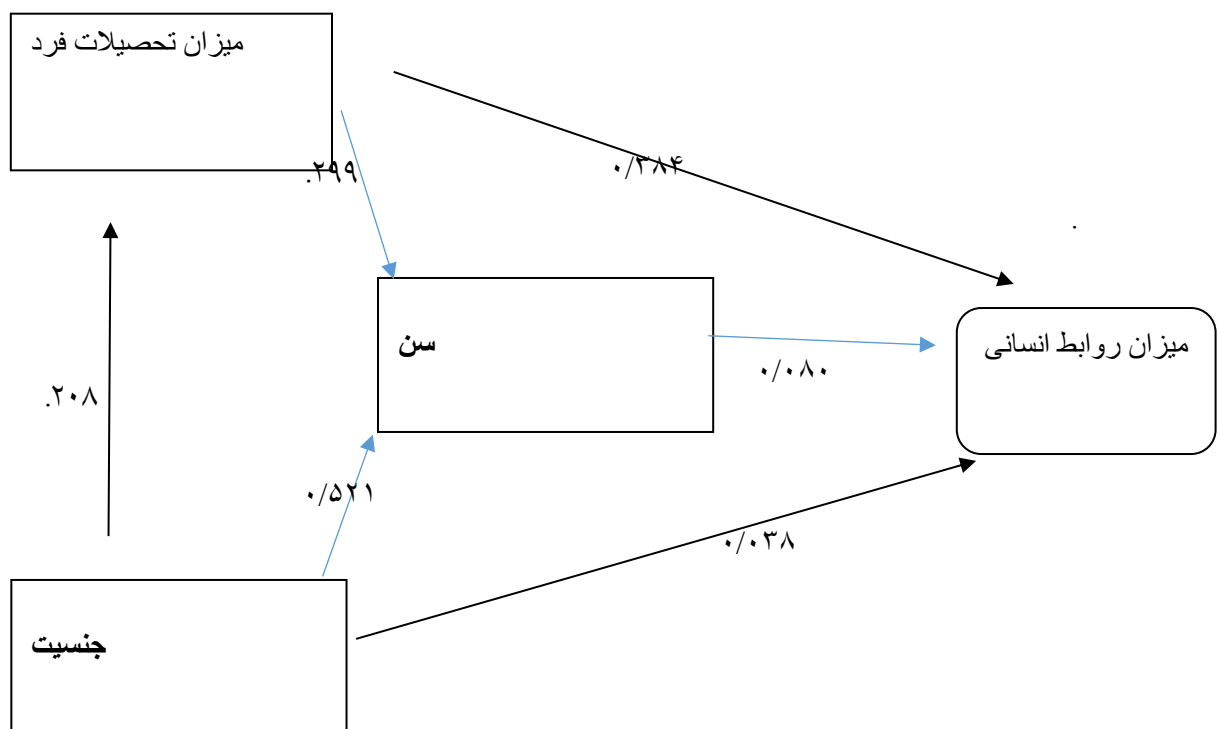
جدول (۶) ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون میزان استفاده از فضای مجازی و میزان روابط انسانی

متغیرهای مستقل	b	S. E	beta	مقدار T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۲/۲۴۷	۰/۳۹۳	-	۵/۷۱۹	۰/۰۰۰
میزان استفاده از فضای مجازی	۰/۵۵۰	۰/۱۰۲	۰/۳۱۰	۵/۳۷۷	۰/۰۰۰
میزان تحصیلات فرد	۰/۱۲۳	۰/۱۸۱	۰/۳۸۴	۶/۱۹۴	۰/۰۰۰
جنسیت	۰/۰۲۱	۰/۰۳۸	۰/۰۲۹	۰/۵۴۶	۰/۰۰۰
سن	۰/۰۱۶	۰/۰۸۰	۰/۰۱۳	۰/۲۰۰	۰/۰۰۰

همان‌گونه که در جدول تحلیل رگرسیون مشاهده می‌گردد متغیر میزان استفاده از فضای مجازی با بتای ۰/۳۱۰ و متغیر میزان تحصیلات فرد با بتای ۰/۳۸۴ و متغیر جنسیت با بتای ۰/۰۲۹ و متغیر سن با بتای ۰/۰۱۳ توانست بر میزان روابط انسانی مؤثر واقع شود و بیشترین تأثیر را میزان تحصیلات فرد و کمترین تأثیر را سن بر میزان روابط انسانی داشته است. تحلیل مسیر^۴ یا روش آماری کاربرد ضرایب بتای استاندارد رگرسیون چند متغیری در مدل‌های ساختاری است. هدف تحلیل مسیر به دست آوردن برآوردهای کمی روابط علی (همکنشی یک‌جانبه یا کواریته) بین مجموعه‌ای از متغیرهاست. ساختن یک مدل علی لزوماً به معنای وجود روابط علی در بین متغیرهای مدل نیست بلکه این علیت بر اساس مفروضات همبستگی و نظر و پیشینه تحقیق استوار است.

تحلیل مسیر بیان می‌کند که کدام مسیر مهم‌تر و یا معنادارتر است. ضرایب مسیر بر اساس ضریب استاندارد شده

رگرسیون محاسبه می‌شود.



^۴- path analysis

نمودار (۱) تحلیل مسیر

نتیجه‌گیری:

یافته‌های پژوهش درباره میزان استفاده دانشجویان از فضای مجازی در شبانه‌روز به تفکیک وضعیت جنسیت، نشان داد که زنان به مراتب بیشتر از مردان از فضای مجازی استفاده می‌کنند. از نظر تحلیلی، این نتیجه دور از انتظار نیست. زنان به واسطه فرصت بیشتری که دارند، می‌توانند برای استفاده از فضای مجازی زمان بیشتری صرف‌کنند. از نظر نوع استفاده از اینستاگرام و از نظر دریافت آموزش‌های گوناگون در حوزه علمی، آشنایی و غیره می‌توان به این نکته اشاره کرد که به علت وفور صفحات آموزشی در اینستاگرام و ماهیت فانتزی این اپلیکیشن، طبیعی است که زنان به استفاده از این اپلیکیشن تمایل زیادی داشته باشند. از سوی دیگر میزان تولید محتوا در اینستاگرام کمترین رتبه را در میان نوع استفاده از این شبکه اجتماعی دارد. از نظر تحلیلی، نکته قابل‌تأمل این است که با اینکه زنان از این شبکه اجتماعی در حد بالایی استفاده می‌کنند، چرا زنان بیشتر مصرف‌کننده محتواهای موجود در آن بوده و کمتر دست به تولید محتوا می‌زنند.

اما از سوی دیگر این مسئله که دانشجویان مورد مطالعه بیشتر از دنبال کردن شخصیت‌های سیاسی و علمی، شخصیت‌های فرهنگی اجتماعی را فالو می‌کنند جای تأمل دارد. نتایج نشان می‌دهد که دانشجویان در خرده مقیاس‌های از خودبیگانه نشدن، توانایی جهت بخشیدن به زندگی فردی و داشتن شأن و منزلت نزد دوستان، دارای نمره بیشتری هستند. این حوزه‌ها بیشتر در گستره نگرانی‌های دانشجویان در مورد چگونه دیده شدن در نظر دوستان و اطرافیان و چگونه بودن در دیدگاه خودشان است. دانشجویان مورد مطالعه اظهار کرده‌اند که در دنیای امروز و با گستره وسیع تغییرات، از خودبیگانه نشده‌اند و توانایی فرم و شکل دادن به زندگی و جهت بخشیدن به آن را (البته در حوزه زندگی

فردی) دارند، این نشانگر وجود اعتماد به خود و عزت نفس در دانشجویان بوده و دارای ارزش و اهمیت والایی است، اما به نظر می رسد این اعتماد و اتکا به خود در حوزه اجتماعی وجود نداشته و دانشجویان از نظر نمره در خرده مقیاس های عدم تعارض در سطوح ارتباط انسانی، نداشتن تشویش از آینده اجتماعی و احساس تعهد نسبت به اهداف معینی که از جانب دیگران تعیین می گردد، دچار ضعف هستند. در صورتی که نتایج پژوهش های بیشتر، این مسئله را به اثبات برساند که دانشجویان به دلیل مشارکت داده نشدن در سطوح اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بالاتر و در کنار سایر اقشار و طبقات جامعه، به این احساس و تفکر رسیده اند، لزوم برنامه ریزی برای حل و رفع این مسئله بیش از پیش احساس می شود.

در جمع بندی و پاسخ به فرضیه اصلی پژوهش، باید اذعان کرد که یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل داده های پژوهش نشان داد که میان میزان و نوع استفاده از فضای مجازی با ارتباط انسانی دانشجویان رابطه وجود دارد، بنابراین فرضیه اصلی پژوهش تأیید می شود. در خصوص فرضیه فرعی اول، یافته های پژوهش نشان داد که میان میزان (کمیت) استفاده از فضای مجازی با ارتباط انسانی رابطه منفی وجود دارد. هرچند که بین میزان استفاده از فضای مجازی در طول شبانه روز با بعد ارتباط انسانی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شیراز رابطه منفی وجود داشته، لیکن این رابطه معنی دار است. بدین معنی که با افزایش مدت زمان استفاده از شبکه های فضای مجازی، بعد ارتباط انسانی آنان به اندازه معناداری کاهش پیدا می کند و همچنان از نظر ارتباط انسانی در وضعیت قابل قبولی قرار ندارند.

بر اساس یافته ها مشاهده می شود، هرچند سابقه حضور کمتر از شش ماه در تلگرام ارتباط انسانی بالاتری را نشان می دهد، ولی به دلیل کوچکی نمونه این گروه قابل تأیید نبوده، ولی می توان اذعان داشت که ارتباط انسانی با سابقه یک تا پنج سال در تلگرام از ارتباط انسانی که بیش از پنج سال در تلگرام حضور داشته اند، بالاتر است. نتایج همچنین نشان داد، دانشجویانی که روزی دو بار از تلگرام بازدید می کنند، از ارتباط انسانی بالاتری نسبت به سایر گروه ها (با میزان های بازدید بیشتر یا کمتر) برخوردارند. این نکته از این جهت قابل تأمل و قابل تحلیل است که احتمالاً بازدید روزی دو بار در حد متوسط و قابل قبول بوده و احتمالاً دانشجویانی که کمتر از این میزان تلگرام خود را چک می کنند، گرایش

کمتری به استفاده از این شبکه اجتماعی برای ارتباط گرفتن، کسب اطلاعات، همبستگی اجتماعی داشته یا آنان که بیشتر از این میزان تلگرام را چک می‌کنند، بیش‌ازاندازه وقت گذاشته و از فعالیت‌های مهم دیگری که ممکن است برای آنان هویت‌ساز بوده باشد بازمی‌مانند.

مهمترین پیشنهاداتی که می‌شود در راستای این پژوهش ارائه داد عبارتند از:

- مسئولان ذی‌ربط با طراحی و اجرای آموزش‌های رسمی (در قالب کارگاه‌های آموزشی) و آموزش‌های غیررسمی؛ مانند آموزش‌هایی که در همین شبکه‌ها ارائه می‌شود، میزان سواد رسانه‌ای، دانش، آگاهی، مهارت و قدرت دانشجویان را در امر تولید محتوا افزایش دهند.

- با عنایت به اینکه یافته‌ها نشان داد دانشجویان تمایل زیادی به دریافت آگاهی و اطلاعات و حتی آشنایی با تجربیات دیگران از طریق شبکه‌های اجتماعی دارند، پیشنهاد می‌شود که دست‌اندرکاران و مسئولان در مورد ارائه آموزش‌ها، اطلاعات و اخبار مفید از طریق این شبکه‌ها بیش‌ازپیش جدیت داشته باشند و تلاش کنند که از این فرصت بهترین بهره‌گیری انجام شود.

- از آنجاکه طبق یافته‌های پژوهش، دانشجویان اظهار کرده‌اند که با گوشه‌نشینی و انزوا از گزند جامعه به دور خواهند ماند و اینکه تصویر درستی از نقش و موجودیت خود به‌عنوان سرمنشأ یک زندگی متعادل فردی در ذهن ندارند (یا حداقل کم است)، هشدار و زنگ خطری است برای مسئولین و دست‌اندرکاران حوزه دانشجویی چراکه دانشجویان نقش و جایگاه کلیدی در آینده و سرنوشت کشور و اجتماع دارند و احساس ناتوانی در کسب تصویر درست و صحیحی از موجودیت خود و تمایل به انزوا برای پرهیز از گزند جامعه، نشانگر این است که به دلایل مختلف جامعه نتوانسته آن‌طور که باید به دانشجویان در تصویرسازی صحیح از نقش و جایگاهشان در جامعه کمک کند. لذا به‌تمامی مسئولان و دست‌اندرکاران حوزه دانشجویی و نهادهای آموزشی کشور توصیه می‌شود با بررسی ریشه‌های عمیق‌تر این مسئله، برای رفع موانع موجود در این زمینه اقدامات لازم را انجام دهند.

منابع:

- توسلی، غ.ع. (۱۳۹۱)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- جعفرزاده پور فروزنده (۱۳۹۹)، بررسی چگونگی رابطه بین مدت گذران فراغت مجازی و تغییر در روابط نسلی، فصلنامه علمی پژوهشی توسعه اجتماعی، دوره ۱۵، شماره ۱، آذر ۱۳۹۹، صفحه 189214.
- دیوید، بل (۱۳۸۹)، درآمدی بر فرهنگ‌های سایبر، ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی، تهران، جامعه‌شناسان، ص ۲۲.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۳). «جوانان و فراغت مجازی»، فصلنامه مطالعات جوانان، ش ۶، ص ۱۲۵.
- ذکایی، محمدسعید و حسینی، محمد حسین. (۱۳۹۴)، گونه شناسی کاربران رسانه‌های اجتماعی. «فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی. سال پنجم، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۴، صص ۶۳-۳۷.
- رضاییان، علی (۱۳۸۵)، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، تهران، سمت، چاپ هفتم، ص ۲۸۶.
- عبدالهی، محمد (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی در ایران: نگاهی به گذشته، حال، آینده، مجله رهیافت، شماره ۱۳.
- عدلی پور، صمد؛ قاسمی، وحید و میرمحمدتبار، سیداحمد. (۱۳۹۳)، تأثیر شبکه اجتماعی فیسبوک بر هویت فرهنگی جوانان شهر اصفهان. «فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. دوره هفتم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳، صص ۲۸-۱.
- کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۷)، عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت و هویت. احمد علیقلیان، افشین خاکباز، تهران: طرح نو. جلد اول.
- کاستلز مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد اول، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز؛ ویراستار علی پایا، تهران، طرح نو، ص ۶۱.
- کاستلز، م. و اینس، م. (۱۳۸۴)، گفتگوهای با مانوئل کاستلز، ترجمه: چاوشیان، م. تهران: نشر نی.
- کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۷)، عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت و هویت. احمد علیقلیان، افشین کاستلز، مانوئل. ۱۳۸۰. عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، جلد اول، ویراستار علی پایا، تهران، طرح نو.
- نظریور محمد (۱۳۹۹)، فهم دگردیسی روابط اجتماعی به واسطه هیبریدی شدن فضای زندگی، مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری سال سوم زمستان ۱۳۹۹ شماره ۴ (پیاپی ۱۳).
- ویندال، س؛ و دیگری. (۱۳۷۶). کاربرد نظریه‌های ارتباطات. ترجمه: علیرضا، دهقان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

Bourdieu, P. (1990) The logic of practice. Cambridge: policy press.

Bourdieu, P. (1986). "The forms of capital." In J. Richardson (Ed.), Handbook of theory and research for the sociology of education (pp. 241–258). New York: Greenwood Press. www.gigapedia.com

- Bourdieu, P. (1986). "The forms of capital." In J. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241–258). New York: Greenwood Press. www.gigapedia.com
- Laughey, D. (2007) *Key Themes in Media Theory*, McGraw Hill Publication.
- Li, L.H., Zhang L.P., Liu, Z. I. (2010). "Impact of emotional intelligence on internet addiction disorder among students at a college in weifang". *Preventive Medicine Tribune*; 16(9): 69.
- Lindlof R Thomas and Taylor C Bry (2002). *Qualitative communication research methods* London, SAGE Publications.

